

اهمیت واکاوی متون جغرافیایی در شناخت وضعیت زبانی جهان اسلام از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی: مطالعه موردی احسن‌التقسیم فی المعرفه الاقالیم

علی رسولی^۱، فاطمه نعمتی^{۲*}، مهشیدسادات اصلاحی^۳

۱. استادیار تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

Importance of Reanalyzing Geographical Manuscripts in Understanding the Linguistic Landscape of Islamic World from a Historical Sociolinguistic Perspective: A Case Study of Ahsan Al-Taqsim fi Maʿrefat Al-Aqalim

Ali Rasouli¹, Fatemeh Nemati^{2*}, Mahshid Sadat Eslahi³

1. Assistant Professor of History (Islamic Iran), Persian Gulf University, Bushehr, Iran

2. Assistant Professor of General Linguistics, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

3. Ph.D. Student of History (Islamic Iran), Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Received: 2023/08/04

Accepted: 2023/10/14

10.30473/jl.2023.63398.1527

Abstract

Historical geographical manuscripts are crucial for social, cultural, and linguistic research. One such significant text is "Ahsan Al-Taqsim fi Maʿrefat Al-Aqalim" by Abuʿabdallah Mohammad bin Ahmad al-Maqdesi, which provides a detailed description of languages and dialects in Muslim communities in the 10th century. We aimed to investigate the significance of this manuscript in understanding the sociolinguistic status of Islamic communities in that era through these research questions: what is the linguistic value of Maqdesi's reports? How do they aid in recognizing the language usage, distribution and variation in Muslim communities? A descriptive-analytic analysis was conducted on the linguistic reports from a historical sociolinguistic perspective to identify sociolinguistic themes and classify the relevant content for further interpretation. The analysis revealed that Maqdesi has studied the linguistic status of the Islamic world in a systematic and well-thought plan, and, his observations yielded a relatively clear picture of the linguistic landscape, dialectal differences, language choices and usages, and social attitude towards languages, especially in the eastern regions of the Islamic world in the 10th century. Furthermore, this research highlights the importance of comprehensive and well-categorized historical-geographical language descriptions and the necessity of reanalyzing historical-geographical manuscripts to better understand the historical sociolinguistic status of Iranian languages.

Keywords: Historical Sociolinguistics, Ahsan Al-Taqsim fi Maʿrefat Al-Aqalim, Language Distribution, Regional Dialects, Linguistic Attitude, Language Choice, Sociolinguistics.

چکیده

متون جغرافیایی تاریخی حاوی اطلاعات اجتماعی، فرهنگی و زبانی ارزشمندی هستند. احسن‌التقسیم فی المعرفه الاقالیم اثر ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی یکی از این متون است که توصیفات دقیقی درباره زبان‌های جوامع مسلمان در سده چهارم هجری دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی ارزش این اثر در شناخت وضعیت زبان‌شناسی اجتماعی جوامع اسلامی آن دوره است و به این پرسش‌ها می‌پردازد که گزارش‌های مقدسی چه ارزش زبان‌شناختی دارد و چگونه به شناسایی کاربرد اجتماعی، پراکندگی و تنوع زبانی جوامع مسلمان کمک می‌کند. بدین منظور، با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، محتوای گزارش‌های زبانی مذکور از منظر زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی بررسی گردید و بر اساس مضامین زبان‌شناسی اجتماعی شناسایی شده، طبقه‌بندی و تفسیر شدند. بررسی محتوای اثر نشان می‌دهد که مقدسی بر اساس طرحی از پیش‌اندیشیده و نظام‌مند به وضعیت زبانی سرزمین‌های اسلامی توجه کرده است و مشاهدات وی تصویر نسبتاً روشنی از جغرافیای زبانی، تفاوت‌های گویشی، انتخاب زبان‌ها و گویش‌ها در موقعیت‌های کاربردی مختلف و نگرش اجتماعی به آنها مخصوصاً در بخش شرقی جهان اسلام در سده چهارم ارائه می‌دهد. همچنین، این پژوهش از یک سو اهمیت توصیف‌های جامع و طبقه‌بندی‌شده جغرافیایی تاریخی زبان‌ها و از سوی دیگر، ضرورت واکاوی متون جغرافیایی تاریخی برای شناخت وضعیت اجتماعی-تاریخی زبان‌های ایرانی را بیش از پیش آشکار می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: احسن‌التقسیم فی المعرفه الاقالیم، زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی، پراکندگی زبانی، گویش‌های محلی، نگرش زبانی، انتخاب زبانی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Fatemeh Nemati

Email: nemati@pgu.ac.ir

* نویسنده مسئول: فاطمه نعمتی

مقدمه

تاریخی انجام گردید. بدین منظور، اطلاعات زبان‌شناسانه مقدسی بر اساس مضامین مهم زبان‌شناسی اجتماعی دسته‌بندی شد، زمینه و بستر جغرافیایی-تاریخی این اطلاعات تا حد امکان بررسی گردید و سرانجام با پیوندی میان این دو به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ داده شد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که تاکنون پیرامون اثر مقدسی انجام شده بر موضوعاتی همچون مردم‌شناسی (قبادی، ۱۳۷۰)، اعتبارسنجی کلی اثر (فخام، ۱۳۸۶) باورهای دینی در فارس و خوزستان (حاجی قاسملو و همکاران، ۱۳۹۶)، شیعه‌شناسی (صحت و احمدوند، ۱۳۹۸)، وضع زنان (عباسی، ۱۳۹۸)، گرایش‌های قومی، دینی و سیاسی (عبادی و همکاران، ۱۳۹۹) و مقایسه محتوایی با آثار اصطخری و ابن‌حوقل (عرب‌عامری و همکاران، ۱۳۹۹) متمرکز بوده است. تاکنون پژوهشی درباره اهمیت این اثر از نظر زبان‌شناسی اجتماعی و تاریخی انجام نشده و از این‌رو، پژوهش حاضر از حیث موضوع تازگی دارد.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به تاریخی بودن موضوع، به روش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. منبع اصلی داده‌ها؛ یعنی کتاب *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم* با رویکرد متن‌پژوهی بررسی شده است. پس از اینکه گزاره‌های زبانی و زبان‌شناختی موجود در این اثر استخراج گردید، بر اساس ارزش محتوایی اثر در بیان مفاهیم مرتبط با زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی، مضامین مهم شناسایی شدند و داده‌ها بر آن اساس دسته‌بندی و تفسیر شدند.

ملاحظات نظری و چهارچوب تحلیل داده‌ها

برای دریافتن اهمیت متون جغرافیایی در شناخت وضعیت زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی، نیاز است ابتدا مروری بر اطلاعاتی داشته باشیم که متون جغرافیایی به خصوص اثر مقدسی در اختیار می‌گذارند. پس از آن، مروری کوتاه بر علم زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی تاریخی خواهیم داشت. امتزاج یافته‌های این سه حوزه ابزار لازم را برای واکاوی جنبه‌های زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی گنجانده‌شده در متون جغرافیایی فراهم می‌سازد.

متون جغرافیایی تاریخی، علاوه بر اهمیت ذاتی در شناخت جغرافیا، از گنجینه‌های مهم اطلاعات اجتماعی، فرهنگی و زبانی هستند. در این میان، اطلاعات زبان‌شناسانه در غالب آنها اندک و پراکنده است. تنها *احسن‌التقاسیم* و *معرفه‌الاقالیم* (تألیف شده در سال ۳۷۵ ق) نوشته مقدسی است که به نظر می‌رسد به شیوه‌ای ساختارمند و با طرحی از پیش‌اندیشیده، اطلاعاتی نسبتاً قابل توجه درباره زبان جوامع مورد پیمایش خود ارائه می‌دهد. بنابر قضاوت گای لسترینج، از پیشگامان تحقیق در متون جغرافیایی مسلمانان، این اثر «بزرگترین و اصیل‌ترین» کتاب در میان آثار جغرافی‌نویسان مسلمان به شمار می‌آید و دلیل این برتری کیفیت توصیف شهرها، عادات و رسوم، محصولات و صنایع آن نقاط است (لسترینج، ۱۳۶۱، ۱۵). به این دلایل، می‌توان غنای اطلاعات زبان‌شناسانه را نیز اضافه کرد که بخش اعظم آن اطلاعات حاصل مشاهدات خود مقدسی است و برای شناخت بیشتر تاریخ فرهنگی سرزمین‌های اسلامی شایسته بررسی و ارزیابی است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی اطلاعات زبان‌شناسانه *احسن‌التقاسیم* در بستر تاریخی-اجتماعی و با استفاده از ابزارهای پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی^۲ انجام شده است. زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی است که با نام جامعه‌شناسی زبان تاریخی نیز شناخته می‌شود. عمده مطالعات زبان‌شناسی تاریخی در جهان اسلام بدون توجه به بافت اجتماعی آنها صورت گرفته است و مقدسی یکی از منابع بی‌نظیر از جنبه زبان‌شناسی اجتماعی را فراهم می‌نماید زیرا فراتر از توصیف‌های ساختاری زبان می‌رود و جوامع زبانی، گونه‌های زبانی، کاربرد و جایگاه آنها را توصیف می‌کند. در این پژوهش به این پرسش‌ها پرداخته می‌شود: مقدسی به‌عنوان یک جغرافی‌نویس که هدف عمده تحقیقاتش شناخت سرزمین‌ها بوده است، چگونه وضعیت زبان‌ها و گویش‌های رایج در جوامع مسلمان در سده چهارم را توصیف نموده است؟ گزارش‌های زبانی این اثر چه ارزش زبان‌شناختی دارد؟ چگونه این اطلاعات زبانی به شناسایی کاربرد اجتماعی، پراکندگی و تنوع زبان‌ها و گویش‌های رایج آن جوامع کمک می‌کند؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روال تحلیل زبان‌شناسی اجتماعی-

1. Guy Le Strange
2. Historical Sociolinguistics

الف) اهمیت متون جغرافیایی در مطالعات زبان‌شناسی

وفور تألیفات جغرافیایی از مشخصات بارز دوره شکوه تمدن اسلامی در سده‌های چهارم و پنجم هجری است (فرشاد، ۱۳۶۵: ۲۳۷). آثاری مانند *البلدان* اثر احمد بن اسحاق یعقوبی، *المسالك و الممالک* اثر عبیدالله ابن عبدالله ابن خردادبه، *التنبیه و الاشراف* اثر علی ابن الحسین مسعودی، *صوره الارض* اثر ابن حوقل و مانند اینها، علاوه بر افزایش فهم اطلاعات جغرافیایی، در انتقال اطلاعات ارزشمند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مؤثر واقع شدند. از متون برجسته در این حوزه کتاب جغرافیایی مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* است که در اواخر قرن چهارم هجری (سال ۳۷۵) تألیف شده است.

مقدسی از تمامی نواحی دنیای اسلام به غیر از هندوستان و اسپانیا دیدن کرد (مشیری، ۱۳۷۸: ۱۲۷) و گزارش‌های او جغرافیای طبیعی، انسانی و برخی از دانش‌های اجتماعی زمان خودش را دربرمی‌گیرد (فرید، ۱۳۶۹: ۱۱۰). وی درباره اصطلاحات جغرافیایی بحث و تحقیق کرده و معانی خاص بعضی از الفاظ جغرافیایی را روشن ساخته است (احمد و تشنر، ۱۳۶۸: ۱۰۵) و ضمن نقد تقلید در آثار پیشینیان، به نوآوری اهمیت داده است (نفیس، ۱۳۶۷: ۳۷). بیشتر مطالب این کتاب متکی بر مشاهدات و مطالعات خود مؤلف است و از لحاظ دقت و صحت دارای اعتبار فراوانی است (بیات، ۱۳۷۳: ۴۵۲). در این اثر، بر خلاف سایر آثار مشابه اطلاعات نسبتاً قابل توجهی درباره زبان جوامع نیز مشاهده می‌شود که به دلیل گنجانده شدن در بافت زمانی، مکانی و اجتماعی خاص، می‌تواند به مطالعات زبان‌شناسانه به خصوص زبان‌شناسی اجتماعی کمک فراوانی بکند. در واقع، آنچه به مزیت این کتاب می‌افزاید گزارش‌ها و اطلاعاتی است که با مشاهده خود مؤلف ثبت گردیده است و بررسی آنها با استفاده از مفاهیم علم زبان‌شناسی ضرورت می‌یابد.

ب) زبان‌شناسی اجتماعی

زبان ابزار ارتباط بین اعضای جامعه است و در تعریف زبان ناگزیر هستیم که به جامعه نیز اشاره کنیم (وارداف، ۱۹۸۶). از این رو، زبان‌شناسی اجتماعی با زبان به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی سروکار دارد و با علوم مختلف مانند علوم اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، جغرافیای

انسانی و جامعه‌شناسی ارتباط تنگاتنگی دارد (ترادگیل^۲، ۱۳۷۶: ۴۲). هدف زبان‌شناسی اجتماعی «کشف روابط دو سویه ساختار اجتماعی و ساختار زبانی و مشاهده تغییراتی [است] که در این میان روی می‌دهد» (گامپرز^۳، ۱۹۷۱: ۲۲۳). زبان‌شناسی اجتماعی می‌خواهد «چگونگی کاربرد زبان در جامعه و انتخاب‌هایی را که مردم به هنگام کاربرد زبان انجام می‌دهند، با بررسی دلایل تبیین نماید» (هلمز^۴، ۲۰۱۳: ۱۶). در زبان‌شناسی اجتماعی، نقش عوامل اجتماعی مانند تحصیلات، سن، طبقه اجتماعی محل زندگی، فرهنگ عمومی و غیره در بروز رفتارهای زبانی و ایجاد تنوعات زبانی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. رکن اصلی تحقیقات زبان‌شناسی اجتماعی توصیف همبستگی بین لایه‌های اجتماعی و صورت‌های زبانی بوده است تا بتوان استفاده از روش‌های کیفی و کمی را برای توصیف تنوعات گونه‌ای تبیین کرد (برثیل^۵، ۲۰۱۰: ۲۶۷). البته تنها بر پایه کاربرد صورت‌های زبانی، مرز زبانی میان گروه‌ها شکل نمی‌گیرد، بلکه نگرش و معانی اجتماعی مرتبط به آن عناصر نیز اهمیت دارد. (هایمز، ۱۹۷۴: ۱۲۳)

عمده مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی بر بررسی رابطه زبان و جامعه به صورت همزمانی و در دوران معاصر پژوهشگر متمرکز شده‌اند. نوالاین^۶ (۲۰۱۵) در انتقاد از مهورماندگی گذشته در مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی، بیان می‌کند که محققانی مانند بل^۷ (۲۰۱۳) در تعیین حدود و ثغور زبان‌شناسی اجتماعی، حوزه‌های مشابه مانند گویش‌شناسی، مطالعات تماس زبانی^۸، کاربردشناسی، زبان‌شناسی تاریخی را نیز در توصیف این علم گنجانده‌اند. این در حالی است که در زبان‌شناسی تاریخی به‌عنوان حوزه موضوعی مشابه، به تغییرات زبانی بدون توجه به کاربرد زبان در جامعه پرداخته می‌شود و بعد اجتماعی شکل‌گیری و کاربرد این تغییرات زبانی در سطح خرد و کلان نادیده گرفته می‌شود (نوالاین، ۲۰۱۵). واقعیت این است که برای دسترسی به کاربرد زبان در گذشته، بایستی محتوای متون مربوط به گذشته مانند متون تاریخی، جامعه‌شناختی، جغرافیایی و مانند اینها را بررسی کرد تا اطلاعاتی را، هر چند ناقص، درباره رابطه زبان

2. Trudgill
3. Gumperz
4. Holmes
5. Berthele
6. Nevalainen
7. Bell
8. language contact

1. Wardhaugh

جامعه‌زبانی ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و شناسایی این ویژگی‌ها برای بازسازی تصویری از بافت زبانی و تنوعات زبانی ضروری است (اور و همکاران، ۲۰۱۵).

نمونه‌هایی از مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی را می‌توان در نوالاین (۲۰۱۵) و والدیسپوهل^{۱۰} و والیس^{۱۱} (۲۰۲۲) مشاهده کرد. نوالاین (۲۰۱۵) روزنگارها و مکاتبات شخصی سامویل پیپس^{۱۲} را برای دستیابی به تصویری از جوامع زبانی، شبکه‌های اجتماعی، تحرک‌های اجتماعی و تغییرات زبانی در طول زندگی وی بررسی می‌کند. والدیسپوهل و والیس (۲۰۲۲) فهرست نام‌های نگهداری شده در صومعه‌های قرون وسطی را با توجه به ساختار آنها و بر اساس گروه‌های اجتماعی بررسی می‌کنند و به تبیین جایگاه فهرست‌هایی از این دست برای پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی در انگلیس و قاره اروپا می‌پردازند، به‌ویژه که این فهرست‌ها در طول چند قرن و توسط نویسندگان مختلف نگاشته شده‌اند.

بر اساس روش‌ها و یافته‌های پژوهش‌ها در این حوزه، به‌طور خلاصه می‌توان گفت زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی به بررسی حوزه‌های کاربرد زبانی، میزان تماس بین جوامع و زبان‌ها، گستره جغرافیایی کاربرد زبان‌ها، اعتبار زبانی، نگرش‌های زبانی و ارتباطات نسلی در گذشته می‌پردازد. متنی که در پژوهش حاضر برای بررسی انتخاب شده است، یکی از مهمترین متون جغرافیایی است که اواخر قرن چهارم هجری نگاشته شده و حاوی گزارش مستقیم نگارنده درباره کاربرد زبان در سرزمین‌های اسلامی آن دوره است.

ج) زبان‌شناسی تاریخی

زبان‌شناسی تاریخی مبتنی بر شواهد تجربی است و طبق تعریف آرلوتو^{۱۳} (۱۳۸۳) «عوامل درونی و بیرونی را که سبب تغییر زبان می‌گردند یا در آن اثر می‌گذارند، مورد بررسی قرار می‌دهد» (۲۶۱). همانطور که در بخش پیشین گفته شد، زبان‌شناسی تاریخی از حوزه‌های موضوعی نزدیک به زبان‌شناسی اجتماعی است، هر چند در مطالعات سنتی زبان‌شناسی تاریخی عامل اجتماع در نظر گرفته نمی‌شود و از این منظر در تقابل با زبان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد که موضوع اساسی آن کاربرد زبان در جامعه است. زبان‌شناسی

و جامعه و تأثیر عوامل اجتماعی بر زبان استخراج نمود. اگر از چنین منابعی غفلت کنیم، عملاً هیچ‌گونه دسترسی به گذشته و نحوه کاربرد زبان نداریم. گاهی در متون اعصار گذشته می‌توان توصیف‌هایی را یافت که درباره زبان‌های مورد استفاده جوامع مختلف برای ارتباط درون و بیرون گروه‌های اجتماعی در پهنه‌های مختلف جغرافیایی است، یا اینکه ویژگی‌های زبان گفتاری یا نوشتاری زبان‌ها یا گویش‌های مورد استفاده در مناطق مختلف جغرافیایی را برمی‌شمارند و دیدگاه مردم درباره کاربرد یک زبان، گویش یا لهجه را بیان می‌کنند. از آنجاکه این بررسی‌های زبانی در جوامع با توجه به گذشته و با بهره‌گیری از ابزارهای زبان‌شناسی اجتماعی انجام می‌شود، زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی به‌عنوان چهارچوب نظری جدید تعریف شده است و در سال ۲۰۱۵ میلادی نشریه‌ای با همین نام^۱ شروع به انتشار نموده است.

واینریش^۲، لباو^۳ و هرتساگ^۴ (۱۹۶۸) پایه و اساس زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی را بنیان نهادند که رویکردی تاریخی-اجتماعی به مطالعه زبان دارد (آور^۵، پیرسمن^۶، پیکل^۷، راتن^۸، وسترز^۹، ۲۰۱۵). به باور اور و همکاران (۲۰۱۵)، این رویکرد بر گنجاندن عوامل مؤثر برون‌زبانی در مطالعه تنوعات و تغییرات زبانی تأکید دارد و از تقابل مطالعات در زمانی و همزمانی فراتر می‌رود. آنها برخی موضوعات مهم این حوزه پژوهشی را چنین برشمرده‌اند: چگونه و در چه زمانی تغییرات در جوامع زبانی شکل می‌گیرند، گسترش می‌یابند و در گروه‌های مختلف سنی، شغلی یا اجتماعی نهادینه می‌شوند و چگونه اعتبار، هنجارها و نگرش گویشوران باعث ایجاد این تغییرات می‌شوند، مخصوصاً زمانی که بین جوامع مختلف تماس زبانی ایجاد می‌شود یا جامعه چندزبانه می‌شود. زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی از همان اصول و یافته‌های زبان‌شناسی اجتماعی برای بررسی زبان استفاده می‌کند زیرا اصول و سازکارها لایتغیر باقی می‌مانند؛ اما از سوی دیگر، تلاش در یافتن تفاوت بین گذشته و حال است زیرا هر دوره زبانی و هر

1. Journal of Historical Sociolinguistics
2. Weinreich
3. Labov
4. Herzog
5. Auer
6. Peersman
7. Pickl
8. Rutten
9. Vosters

10. Waldispühl

11. Wallis

12. Samuel Pepys

13. Arlotto

می‌خوانند... بیشتر مردم عدن و جدّه فارس (ایرانی) هستند ولی زبان [اکثریت] عربی است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶). بر اساس آنچه مقدسی درباره کاربرد زبان فارسی در بازار گفته است، می‌توان دریافت که در آن دوره در بخشی از شبه جزیره عربستان، فارسی زبان تجارت بوده است و افراد زیادی در صحار، عدن و جدّه فارسی‌زبان بودند و در تعاملات در حوزه کاربرد زبان در خانواده، دوستان و تجارت از زبان فارسی و در کتابت و موقعیت‌های رسمی از زبان عربی استفاده می‌کردند.

مقدسی در توصیف زبان مردم بخارا این زبان را دری می‌خواند و می‌افزاید «از آن روی اینگونه زبان را دری نامند که نامه‌های شاهان بدان نوشته می‌شود و به وی می‌رسد و از ریشه در ساخته شده، زیرا که زبانی است که درباریان بدان گفتگو می‌دارند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۱). این توصیف در عین حال که وجه تسمیه زبان دری را بیان می‌کند، بر کاربرد معمول این زبان در دربار ایرانیان، در موقعیت رسمی و برای کتابت نیز صحنه می‌گذارد.

وی پس از انعکاس قضاوت‌های رایج درباره زبان‌ها و گویش‌های خراسان، به ذکر روایتی از زبان یکی از شاهان خراسان می‌پردازد که از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، نه حاوی اطلاعاتی درباره نگرش به آن زبان‌ها است، بلکه بر اساس چهارچوب حوزه‌های انتخاب زبان در موقعیت‌های خاص نیز اهمیت دارد و هر کدام از لهجه‌های اصلی را برای یک موقعیت مناسب می‌شمارد: سیستمی برای جنگ، نیشابوری برای داوری، مروی برای وزارت و بلخی را برای مکاتبه. (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۰)

ب) نگرش زبانی^۵

یکی از پایه‌ای‌ترین تعاریف نگرش، «تمایل به واکنش مطلوب یا نامطلوب به مجموعه‌ای از چیزها» (سارنوف^۶، ۱۹۷۰: ۲۷۹) است و در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، آموزش، انسان‌شناسی و حوزه‌های مرتبط بررسی شده است. در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی نیز، نگرش متغیر مهمی به شمار می‌رود. طبق نظر لباو، یکی از اهداف مهم زبان‌شناسی اجتماعی «ثبت نگرش‌های موجود به زبان‌ها است» (لباو، ۱۹۸۴: ۳۳). بیکر^۷ (۱۹۹۲)، نگرش به زبان را در احیاء، حفظ، زوال و مرگ آن زبان تأثیرگذار

اجتماعی-تاریخی با امتزاج این دو حوزه موضوعی سعی در توصیف و تبیین کاربرد زبان در زمان گذشته با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های پژوهشی هر دو حوزه دارد. بر خلاف زبان‌شناسی اجتماعی که به داده‌های زبانی گفتاری و نوشتاری دسترسی دارد، داده‌های مورد مطالعه در زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی از متون تاریخی، متون جغرافیایی، سفرنامه‌ها، شرح‌حال‌نویسی‌ها، آثار ادبی و مانند اینها می‌آید.

بحث و تحلیل داده‌های زبانی احسن التقاسیم

اثر مقدسی از نظر توجه به تنوع زبانی مناطق مختلف جغرافیایی نسبت به آثار دیگر جغرافی‌دانان مسلمان برجستگی دارد. وی از شناسایی تفاوت میان مردمان نواحی مختلف از نظر لهجه‌ها و صداها و زبان‌ها به‌عنوان یکی از اهداف تألیف خود نام می‌برد (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲/۱). یک نکته برجسته در اطلاعات زبانی مقدسی این است که مشاهداتش را با شواهد زبانی مستند می‌سازد: «نمونه سخن هر قوم را برای اثبات ادعا خواهم آورد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۳۷۷/۲). حاصل بررسی محتوای گزارش‌های زبانی مقدسی در چهارچوب زبان‌شناسی اجتماعی شناسایی موضوعات زیر است که مقدسی با صراحت یا به‌طور ضمنی درباره صورت‌ها و گونه‌های زبانی بیان نموده است.

الف) کاربرد زبان در تعامل‌های معمول^۱

یکی از مفاهیمی که فیشمن^۲ (۱۹۶۵) بر اساس اثر اشمیت-رهر^۳ (۱۹۶۳) برای توصیف انتخاب زبان در حوزه‌های مختلف کاربرد زبان پیشنهاد کرده است، حوزه‌های انتخاب زبان^۴ است. این مفهوم ناظر بر این است که زبانوران چه زبانی را در چه زمانی و در تعامل با چه کسانی استفاده می‌کنند. طبق این دیدگاه، گروه اجتماعی، موضوع و موقعیت بر انتخاب زبان در حوزه‌های مربوط مانند خانواده، دوستان، مدرسه، داد و ستد، مکان‌های مذهبی، انتشارات، دستگاه قضایی و نهادهای دولتی تأثیرگذار است. مقدسی در چند جا به کاربردهای زبان در تعامل‌های معمول زبانوران اشاره می‌کند. وی درباره کاربرد زبان در شبه‌جزیره عربستان می‌نویسد که «زبان مردم این منطقه تازی است مگر در صحار که در بازار به فارسی سخن می‌گویند و یکدیگر را

5. language attitude

6. Sarnoff

7. Baker

1. language use in typical interactions

2. Fishman

3. Schmidt-Rohr

4. domains of language choice

فرازی و کشیدن دنباله واژه‌ها دیده می‌شود.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۸۹)

«زبان مردم بلخ شیرین‌ترین زبان‌ها است، جز اینکه واژه‌های زشت بکار می‌برند.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۰-۴۸۹)

«زبان هراتی‌ها وحشیانه است، خشن‌تر از آن در این سرزمین یافت نشود. یورش‌مندانۀ نهیب می‌زنند و با فشار سخن را آلوده بیرون می‌دهند... زبان قوهستان نیز خوب نیست و کشش دارد... زبان بامیان و طخارستان نزدیک به بلخی است ولی کمی گرفتگی دارد... زبان خوارزمی فهمیدنی نیست.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۰)

«زبان مردم شاش بهترین زبان‌های هیطل است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۱)

«زبان ناحیه قومس نیز به گرگان نزدیک‌تر است... و زیبائی دارد. زبان مردم مازندران نیز بدان نزدیک ولی اندکی تندتر است. زبان دیلم بعکس پیچیده است... زبان خزریان نیز سخت پیچیده است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۴۴-۵۴۵)

«زبان مردمان ناحیه و سرزمین رحاب سرد و سنگین‌تر و پریش است، زبانشان خوب نیست.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۶۲)

«زبان اصفهانیان ناهنجارتر از همه است و کششی بی‌جا دارد. در زبان عجم‌ها شیواتر از زبان مردم ری نیست.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۹۵)

در سرزمین فارس، «مردمش بد لهجه‌اند، سخن مردم نیش و کنایه دارد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۴۰)
«اما ناحیه خوزستان نسبت به دیگر نواحی دیگر زبانشان فصیح‌تر است. مردم رام هرمز... زبانشان نامفهوم است. ابوالحسن مطهر بن محمد رام هرمزی برایم روایت کرد که منصور بن محمد از اسحاق بن احمد، از محمد بن خالد بن ابراهیم، از ابوعصمه، از اسماعیل بن زیاد، از مالک قبطان، از خلید، مقبری از ابوهیره نقل کرد که رسول خدا (ص) می‌گفت: بدترین زبان نزد خداوند فارسی است، زبان شیطان خوزی و زبان مردم جهنم بخارائی و زبان مردم بهشت تازی است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۲۴-۶۲۵)

می‌داند زیرا نگرش نشان‌دهنده افکار، اعتقادات، رجحان‌ها و تمایلات یک جامعه زبانی است. وی معتقد است جایگاه، ارزش و اهمیت یک زبان را بر اساس نگرش مردم به آن زبان می‌توان شناسایی نمود.

یکی از شیوه‌های جمع‌آوری داده درباره نگرش رجوع به نحوه کاربرد زبان در جامعه است و اطلاعاتی از این دست را می‌توان در اسناد مکتوب مانند اسناد دولتی، متون تاریخی، رمان‌ها و شرح‌حال‌های شخصی نیز یافت (هلمز، ۲۰۱۳). در احسن‌التقاسیم مقدسی، عمده گزارش‌ها دربردارنده قضاوت‌های نگرشی به زبان‌ها و گویش‌های مختلف است که در ادامه نمونه‌هایی از آنها آورده می‌شود. کلمات و عبارات بیانگر نگرش در بریده‌های نقل‌قول شده درشت‌نویسی شده‌اند.

«همه گونه لهجه‌های عربی در بادیه‌های جزیره عربستان یافت می‌شود ولی صحیح‌ترین آنها لهجه هذیل است و سپس دو نجد (نجد یمن و حجاز) سپس باقی حجاز بجز احقاف که زبانشان وحشی است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶)

«لهجه‌ها در عراق گوناگون است. درست‌ترین آن‌ها (کوفی) است زیرا که به بادیه نزدیک و از نبطیان بدوراند، پس [بعد] از آنجا نیز [لهجه‌ها] زیبا ولی نادرست است، بویژه در بغداد. مردم بطائح نه زبان درستی دارند و نه خردی!» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۷۸)

«زبان مردم این سرزمین [مصر] عربی ولی سست است. اهل ذمه همگی به قبطی سخن گویند.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۲۸۹)

«مردم خراسان لهجه‌های گوناگون دارند و زبان نیشابور رساتر و گیراتر است... سین بی‌فایده می‌افزایند، چنانکه بخردستی، بگفتستی بختستی و مانند آن‌ها که سستی و لحاح را می‌رساند. مردم طوس و نسا خوش‌زبان‌ترند. سخن سگستانیان با یورش دشمنانه با صدای بلند از سینه بیرون می‌آید. زبان بست بهتر است و روستایشان و روستاهای نیشابور زبانی دیگر دارند که خشن است. زبان دو مرو^۱ بد نیست، جز آنکه در آن نیز یورش و گردن

۱. منظور از دو مرو، دو شهر «مرو رود» و «مرو شاهجان» است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۶۹، ۲۷۳). مرورود در بخش علیای رود مرغاب و مرو شاهجان که بزرگتر بود در پایین دست اپان رودخانه واقع بودند (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۲۳-۴۲۴). مرو رود امروزه با نام «بالامرغاب» در شمال غربی افغانستان و مرو شاهجان با نام «ماری» در جنوب شرقی ترکمنستان واقع هستند.

برای زبان، گویش و لهجه آنگونه که امروزه در زبان‌شناسی رایج است، به کار نمی‌برد، بلکه برای هر سه مفهوم از واژه‌های کلام یا لسان استفاده می‌کند (همان، ۳۳۴). وی بر اساس تقسیم‌بندی اقلیمی پیش‌گفته به گزارش گونه‌های زبانی در جهان اسلام به شرح زیر می‌پردازد.

سرزمین‌های عربی (مصر، عراق و عربستان): مقدسی دربارهٔ سرزمین‌هایی که در آنها زبان اکثریت عربی بود، در مقایسه با ایران اطلاعات مختصری داده است. دربارهٔ مصر به این بسنده می‌کند که عربی را زبان اکثریت مردم معرفی می‌کند و «اهل ذمه» را استثنا می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۲۸۹). اهل ذمهٔ قبطی زبان در واقع اقلیت مسیحی مصر بودند که تا امروز نیز دوام آورده‌اند.

وقتی مقدسی به عراق و کرانه‌های عربی خلیج فارس می‌رسد در واقع، قدم به آستانه و مرزهای فرهنگی ایران گذاشته و می‌توان تأثیر زبانی این موقعیت جغرافیایی را در گزارش‌هایش مشاهده کرد. وی دربارهٔ عراق به گوناگونی لهجه‌ها اشاره کرده و درست‌ترین آنها را لهجهٔ مردم کوفه می‌داند به این علت که این شهر به بادیه، مسکن اعراب اصیل، نزدیک، و به عکس از نواحی غیرعرب یا نبطی‌ها دور است: «لهجه‌ها در عراق گوناگون است. درست‌ترین آن‌ها کوفی است زیرا که به بادیه نزدیک و از نبطیان بدوراند، پس از آنجا نیز زیبا ولی نادرست است، بویژه در بغداد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۷۸). وی به این ترتیب کوفه را به عنوان معیاری در نظر می‌گیرد که هرچه از آن به سمت شرق پیش می‌رود از عربی فصیح فاصله می‌گیرد. این فاصله گرفتن از «عربی درست» در واقع تأثیر گونه‌گونی و آمیختگی جمعیت عرب و غیرعرب است که در حرکت به سمت شرق به سمت ایرانی شدن میل می‌کرد. نام پارسی بغداد تصویری نمادین از تأثیر فرهنگ ایرانی است که در زمینهٔ زبان با توصیف «زیبا ولی نادرست» از نظر مقدسی انعکاس می‌یابد.

در مورد شبه‌جزیرهٔ عربستان نیز ابتدا مقدسی تصریح می‌کند که زبان غالب عربی است و پس از آن، به لهجه‌های گوناگونی اشاره می‌کند که از آن میان لهجهٔ هذیل را صحیح‌ترین لهجهٔ بادیه‌نشینان می‌خواند، لهجهٔ نجد و لهجهٔ حجاز را در مرتبه‌های بعدی قرار می‌دهد و در انتهای طیف لهجهٔ مردم احقاف را وحشی و لهجهٔ قبیله‌ای در حمیر (شرق یمن) را نامفهوم می‌خواند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶). وی به دوزبان‌گونه‌گی در صحار، عدن و جدّه نیز اشاره می‌نماید. (نک زیربخش د)

در ناحیه کرمان زبان و لهجه‌شان «فهمیدنی و نزدیک به لهجه خراسان است، لهجه روستاییان گاهی پیچیده است. زبان قُفس‌ها^۱ و بلوچ‌ها مانند سندی نامفهوم است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۹۵)

«مردم مکران کند فهمند و سیه‌چرده، زبانشان گنگ و همچون صدای پرندگان است.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۷۰۹)

بر اساس این قضاوت‌های نگرشی، می‌توان دریافت که جایگاه زبان‌ها یکسان در نظر گرفته نشده است و زبان عربی را نسبت به زبان‌های دیگر جهان اسلام درست‌تر دانسته و برتری داده است. اعتبار آشکار مفهومی است که در زبان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان معیاری برای برتری زبانی بر زبان دیگر استفاده می‌شود و در روایت‌های قضاوت‌گرانه پیش‌گفته درباره زبان‌ها می‌توان تأثیر اعتبار را در اعتباردهی به برخی زبان‌ها و اعتبارزدایی از برخی دیگر ملاحظه نمود. احسن‌التقسیم با گزارش نگرش‌های رایج درباره زبان‌ها و گویش‌ها در زمانه خود به ما فرصت بی‌نظیری داده است تا از پس قرن‌ها به بررسی از آن دوره دسترسی داشته باشیم. هرچند برای یافتن دلایل چنین نگرش‌هایی و تبیین آنها، نیازمند بازسازی بافت اجتماعی-تاریخی آن دوره از خلال متون تاریخی هستیم.

ج) گونه‌های زبانی^۲

یکی از اطلاعات ارزشمندی را که می‌توان از خلال توصیف‌های زبانی احسن‌التقسیم استخراج نمود، اطلاعات درباره گونه‌های زبانی به کار رفته در جوامع و پراکندگی گویشی در هر منطقه جغرافیایی است. گونه زبانی برای اشاره به همه صورت‌های زبانی به کار می‌رود که تحت تأثیر عوامل اجتماعی شرایط بروز می‌یابد و مشتمل بر همه لهجه‌ها، سبک‌های گفتاری، گویش‌ها و حتی زبان‌های مختلف است (هلمز، ۲۰۱۳). مقدسی در آغاز کتاب به تقسیم‌بندی کلانی در تقسیم جهان اسلام به سرزمین‌های عربی (اقالیم عرب) و سرزمین‌های ایرانی (اقالیم عجم) اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۹) که علاوه بر ماهیت نژادی آن، مبنای زبانی نیز دارد. مقدسی، همچون سایر نویسندگان مسلمان واژگان مجزایی

۱. قُفس نام قبایل کوهنشین بود که در سدهٔ چهارم هجری در ناحیهٔ کوهستانی جنوب شرقی جیرفت ساکن بودند. این ناحیهٔ کوهستان به نام آنها جبل‌القفص خوانده می‌شد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۳۹).

2. language varieties

جدول ۱. پراکندگی جغرافیایی زبان‌ها و لهجه‌ها در هشت اقلیم ایران

زبان‌ها و گویش‌های منطقه‌ای (مکان‌های دارای گویش مشابه)	گستره جغرافیایی	اقلیم
نیشابوری (طوس، نسا)	خراسان، سیستان، ماوراءالنهر، خوارزم	مشرق (خاوران)
سیستانی		
بستی		
مروی (سرخس، ایپورد)		
غرج شاری (بین هراتی و مروی)		
جوزجانی (بین مروی و بلخی)		
بلخی (بامیان، تخارستان)		
هراتی (سغدی)		
بخارایی		
سمرقندی		
چاچی		
فرغانی		
خوارزمی		
خزری	گیلان، مازندران، قومس (سمنان)	دیلم
گرگانی (قومس)		
طبرستانی		
دیلمی		
گیلی	اران، ارمنستان، آذربایجان (شمال ارس)	رحاب
ارمنی		
ارانی	نواحی غربی و مرکزی	جبال
همدانی		
رازی		
قزوینی		
اصفهان‌ی	خوزستان	خوزستان
خوزی		
رام‌هرمزی	فارس	فارس
فارسی		
ققسی	کرمان و بلوچستان	کرمان
بلوچی		
مکرانی		
سندی	جلگه رودخانه سند	سند

(د) دوزبانگی^۱ و دوزبانگونهگی^۲

دوزبانگی ویژگی افرادی است که بیش از یک زبان می‌دانند و بر اساس تسلط زبانی بر آن زبان‌ها، زبانوران ممکن است دوزبانگی متقارن^۳ با تسلط به هر دو زبان داشته باشند، یا

جهان/ایرانی: مقدسی سرزمین‌های ایرانی را در تقسیم‌بندی با عنوان «اقلیم‌الاعاجم الثمانیه» (مقدسی، ۱۴۱: ۲۷۸) یا اقلیم‌های هشت‌گانه ایرانیان بررسی می‌کند: «زبان مردم این هشت اقلیم عجمی است، برخی از آنها دری و دیگری پیچیده‌ترند. همگی آنها فارسی نامیده می‌شوند و اختلاف آن‌ها آشکار است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۳۷۷). این قطعه از گزارش مقدسی چند نکته را آشکار می‌کند. وی با برساختن عبارت «عجمیه» به تمایز زبانی ایران با جهان عربی تصریح می‌کند، به تفاوت میان لهجه‌ها و گویش‌های مختلف این زبان واحد اشاره می‌کند، دری را به منزله زبان معیار و ساده معرفی می‌کند، و همه این گویش‌ها را با وجود اختلافات تحت عنوان فارسی قرار می‌دهد. بر خلاف امروز که فارسی یکی از زبان‌های ایرانی قلمداد می‌شود، در نگاه مقدسی این واژه به کل زبان‌های ایرانی اطلاق شده است. درباره وجه تسمیه دری و دلالت جغرافیایی و تاریخی آن، مقدسی بعد از توصیف گویش بخارایی اضافه می‌کند که این زبان دری است: «نامه‌های شاهان و نامه‌های خطاب به شاهان با آن نوشته می‌شود و از ریشه در ساخته شده، زیرا زبانی است که درباریان بدان گفتگو می‌دارند.» (همان: ۴۹۱)

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید، مقدسی تلاش کرده است تنوع و توزیع زبانی هشت اقلیم عجم را تا جای ممکن با ذکر نام گویش‌ها و مکان‌ها بیان کند. البته نمی‌توان انتظار داشت که وی تمام لهجه‌ها را شناخته باشد، بلکه بیشتر به لهجه مردم شهرهای بزرگ توجه کرده است و در توصیف آنها را معیار قرار می‌دهد. برای مثال، وی پس از نقل حکایتی از یکی از شاهان خراسان درباره داوری پیرامون لهجه‌های پنج خوره یا ولایت اصلی، پنج لهجه سگستانی، نیشابوری، مروی، بلخی و هراتی را به عنوان لهجه‌های اصلی معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که نواحی دیگر با توجه به نزدیکی جغرافیایی از این پنج لهجه اصلی نشأت گرفته‌اند (همان: ۴۹۰). همچنین، وی به توصیف زبان‌های محلی مورد استفاده در روستاها نمی‌پردازد و به این جمله بسنده می‌کند که «کمتر شهری از آن‌ها که یاد کردم یافت می‌شود که روستایش زبان جداگانه نداشته باشد» (همان: ۴۹۱). جدول ۱ خلاصه‌ای از گزارش مقدسی درباره پراکندگی گویش‌های ایران است. نام مناطق دارای گویش مشابه با یک گویش اصلی در پرانتز آمده است.

1. bilingualism
2. diglossia
3. balanced

مفهوم بسط‌یافته را استنباط کرد. وی می‌نویسد در شبه‌جزیره عربستان «زبان مردم... تازی است مگر در صحار که در بازار به فارسی سخن می‌گویند و یکدیگر را می‌خوانند. ... بیشتر مردم عدن و جده فارس (ایرانی) هستند ولی زبان (رسمی) عربی است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶). از این سخن برمی‌آید که گرچه زبان رسمی در شبه‌جزیره، به دلیل قدرت اداری، مذهبی و فرهنگی اعراب، زبان عربی است، زبان روزمره مردم در تعاملات تجاری در صحار فارسی بوده است. این موضوع با توجه به سابقه تاریخی صحار و به‌طور کلی سواحل عمان که در زمان سفر مقدسی بیشتر زیر نفوذ و حاکمیت دولت ایرانی آل‌بویه قرار داشت و از گذشته‌های دورتر به واسطه رفت‌وآمد بازرگانان و مسافران ایرانی دارای پیوندهای گسترده با ایران بود، چندان شگفتی بر نمی‌انگیزد. وجود جمعیت ایرانی در دو شهر عدن و جده نیز که یکی در غرب و دیگری در جنوب غربی شبه‌جزیره واقع شده است و نسبت به صحار از خاک ایران بسیار دورند بیشتر معلول ارتباطات دریایی در مسیر خلیج فارس به دریای سرخ است. مقدسی در اینجا از واژه «فارس» (ایرانی) که ظاهراً اشاره به نژاد و نه زبان دارد، استفاده کرده است؛ می‌توان تصور کرد که جمعیت ایرانی این دو بندر، دست کم در خانه و در میان هم‌نژادان خود به فارسی سخن می‌گفته‌اند، و در موقعیت‌های رسمی، از زبان عربی استفاده می‌نموده‌اند.

ه) تنوعات آوایی و تلفظ

در شواهد و مثال‌هایی که مقدسی از زبان‌ها و لهجه‌های مختلف می‌آورد، به نکاتی درباره تلفظ واژه‌ها پرداخته است که از بُعد آواشناسی تماسی^۴ اهمیت دارد. برای مثال، در توصیف نحوه تلفظ کلمات عربی مردم عدن که آنها را فارس می‌داند، به جایگزینی همخوانی [dʒ] با [g] اشاره می‌کند: «هر جیم را گاف تلفظ می‌کنند پس به جای رجب، رگب و به جای رجل رگل گویند.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶). همانجا، وی با ذکر روایتی به جایگزینی مشابهی در کلام پیامبر (ص) اشاره می‌کند که «هنگام سنگسار کردن جمره، بجای سنگ ریزه برای پیغمبر (ص) پشکل آوردند، پس وی آنرا پرتاپ کرده گفت: رگس هستند و فقیهان برای بیان آن کوشش‌ها کرده‌اند که هرچند می‌تواند درست باشد ولی ممکن است پیغمبر (ص) این واژه را به عاریت گرفته باشد.» (مقدسی،

دوزبانگی نامتقارن^۱ داشته باشند و به یکی از زبان‌ها مسلط‌تر باشند. در مقابل، دوزبانگونی ویژگی جوامعی است که در آنها به زبانی صحبت می‌شود که دارای دو گونه با کاربردهای مشخص و متمایز است؛ یکی از این زبان‌ها گونه فرادست است که هرگز در موقعیت‌های روزمره استفاده نمی‌شود؛ و زبان دیگر گونه فرودست است و برای ارتباطات روزمره از آن استفاده می‌شود. در تعریف بسط‌یافته دوزبانگونی، می‌توان این اصطلاح را در توصیف وضعیت زبانی جامعه‌ای نیز استفاده کرد که در آن دو زبان متفاوت کاربردهای مشخص و متمایز در جامعه دارند (هلمز، ۲۰۱۳). ممکن است در جامعه‌ای دوزبانگی و دوزبانگونی همزمان اتفاق بیفتد یا فقط یکی از آنها مشاهده گردد.

مقدسی نمونه‌ای از دوزبانگی را، و آنهم از نوع متقارن، در خوزستان گزارش می‌کند: «کسی را بینی که دارد به فارسی گفتگو می‌کند: ناگهان بازگشته به تازی سخن می‌گوید و به هریک از دو زبان که گفتگو می‌کند، پنداری دیگری را بدین خوبی نمی‌داند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۲۵). در همانجا، مقدسی نمونه‌ای از کدگردانی درون‌جمله‌ای^۲ را نیز آورده است: «ایشان فارسی خود را با تازی بسیار می‌آمیزند، چنانکه گویند: این کتاب وصلا کن! این کار قطعاً کن!». در جای دیگر، هنگام توصیف زبان‌های سرزمین رحاب، درباره دوزبانگی مردم ارمنستان و اران چنین می‌گوید که «در ارمنستان به ارمنی و در اران^۳ به ارانی سخن گویند. فارسی ایشان نیز فهمیدنی است و نزدیک به فارسی است در لهجه» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۶۲). بر اساس این توصیف، می‌توان به دوزبانگی مردم ارمنستان و اران از نوع نامتقارن پی برد.

در حین گزارش شرایط کاربرد زبان در شهرهای صحار، عدن و جده، مقدسی وضعیتی را توصیف می‌کند که یادآور وضعیت زبانی کشور پاراگوئه با دو زبان اسپانیایی به‌عنوان گونه فرادست و گوارانی به‌عنوان گونه فرودست است (هلمز، ۲۰۱۳: ۳۱) و می‌توان بر اساس آن دوزبانگونی در

1. unbalanced

2. intrasentential codeswitching

۳. ناحیه میان دو رودخانه ارس و کورا (لسترنج، ۱۳۷۷: ۱۹۰). بر اساس نام شهرهایی که مقدسی در این منطقه برمی‌شمارد (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۵۴-۵۵۵) روشن می‌شود که اران قسمتهایی از جمهوری‌های امروزی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان را شامل می‌شد و مرکز آن در سده چهارم هجری شهر بردعه بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۵۴) که به نظر می‌رسد شهر بردع در جمهوری آذربایجان امروزی نام آن را نگاه داشته است.

ملاحظه کرد که بر خلاف دیگر گویش‌ها، در بخارایی از هر دو علامت نکره «یک...ی» به صورت همزمان استفاده می‌گردد: یکی ادرمی، یکی مردی (یک درم، یک مرد). درباره گویش فرغانه نیز کاربرد پیشوندهای فعلی توجه مقدسی را جلب کرده است که از آن جمله «باز آمدم» و «باز شدم» را مثال می‌زند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۱)

مقدسی ضمن توصیف گویش بخارایی، شواهد زبانی از کاربرد واژه‌های تردید^۱ را نیز فراهم می‌نماید: «ایشان جمله دانستی و گفتا را در سخن خود بی‌فایده بسیار بکار می‌برند.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۱). همانطور که در این توصیف آمده است، واژه‌های تردید مانند «دانستی» و «گفتا» به لحاظ معنایی اطلاعاتی را به محتوای جمله نمی‌افزایند، بلکه کاهش‌دهنده شدت اظهاراتی است که فرد ارائه می‌کند (هاوس^۲ و کسپر^۳، ۱۹۸۱) و یکی از استراتژی‌های رعایت ادب است.

مقدسی درباره خطاب افراد و تغییر نام افراد در همدان و ری نیز شواهدی را ارائه می‌کند که امکان دارد برای تحیب یا بیان صمیمت به کار می‌رفته است: «مردم همدان [برخی اسم‌ها را تغییر می‌دهند، محمد را محمدلا و احمد را احمدلا می‌گویند.]: «مردم ری اسم‌ها را تغییر می‌دهند؛ علی را علکا، حسن را حسکا و احمد را حمکا می‌گویند.» (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹۸)

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به ادعای مقدسی درباره ثبت دقیق اطلاعات، وی در گزارش‌های زبانی سعی داشته است، به‌طور کامل و دقیق نگرش مردم آن دوره را ثبت می‌کند و برای نشان دادن موضع بی‌طرفانه، به‌عنوان شاهد از روایت‌های رایج بهره گرفته و اطلاعات زبان‌های مناطق را با هم مقایسه نموده است. مقدسی در حوزه کاربردهای زبان در تعامل‌های معمول اطلاعات مهمی درباره کاربرد زبان فارسی در بازار در شهرهای ساحل جنوبی خلیج فارس، کاربرد فارسی معیار (دری) در دربارهای ایران و کاربرد لهجه‌های اصلی خراسان در موقعیت‌های مختلف جنگ، داوری، وزارت و نامه‌نگاری می‌دهد. همچنین اثر مقدسی ما را از نگرش‌های رایج به زبان‌های ایرانی از دیدگاه یک مسلمان عرب که با زبان فارسی نیز آشنایی داشته است، آگاه می‌کند. وی لهجه‌های

۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶). بر اساس گزارش مقدسی از یک‌سو و به دلیل نبود همخوان [g] در زبان عربی از سوی دیگر، این جایگزینی را می‌توان حاصل تماس زبان عربی و فارسی به حساب آورد.

در ضمن توصیف تلفظ‌های مردم هر منطقه، وی به بیان شواهد قواعد واجی دیگری می‌پردازد. برای مثال، به درج واج میانجی [n] در کلمات مردم عدن اشاره می‌کند: «مردم عدن بجای رجليه گویند رجلينه و بجای یدیه گویند یدینه و مانند آن.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۳۶). همچنین در مورد گویش نیشابوری می‌گوید «سین بی فایده می‌افزایند، چنانکه بخردستی، بگفتستی بختتستی و مانند آن‌ها.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۸۹). درباره قاعده واجی ارتقا واکه در تلفظ نیشابوری‌ها نیز می‌گوید که «آغاز واژه‌ها را کسره می‌دهند» و در ادامه با ارائه شاهد زبانی، نحوه تلفظ کلمات را با دقت بیشتر توصیف می‌کند: «آنها به ی اشباع می‌کنند، مانند بیگو، بیشو.» (همان). قاعده اخیر همچنان در گویش‌های ایرانی معاصر و در میان فارسی‌گویان شرق خراسان تاریخی یا افغانستان امروزی رایج است.

مقدسی به نحوه تلفظ آواها و توزیع آنها در گویش‌های منطقه‌ای نیز می‌پردازد. برای مثال، وی گزارش می‌نماید که «مردم سمرقند نیز حرفی دارند که صدایش میان ق و ک است و می‌گویند: بکردکم، بگفتکم و مانند آن.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۹۱). در دو مورد نیز، به قضاوت احساسی درباره توزیع برخی آواها در گویش‌ها پرداخته است: «گیلهاخ را بسیار بکار برند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۴۴-۵۴۵)؛ «در قزوین قاف زیاد بکار برند و بیشتر ایشان به «خوب» گویند: نج.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۹۵). نج ممکن است شکل عربی‌شده نیک باشد.

و) تنوعات ساختوازی

بر اساس توصیف‌های مقدسی درباره گویش‌های منطقه‌ای، وی شواهدی می‌آورد که با بررسی آنها می‌توان اطلاعاتی درباره ساختواژه زبان‌های ایرانی کسب نمود. برای مثال، وی به استفاده از پیشوند «را-» در کلمات «راده!» و «راکن!» از گویش ری (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۹۵) و «ها-» در کلمات «هاده» و «هاکن» از قومس [سمنان امروزی] و گرگان برای ساخت فعل امری اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۴۴). در مورد ساخت نکره نیز در توصیف مقدسی درباره گویش بخارایی و مقایسه آن با سایر گویش‌های ایرانی می‌توان

1. hedge
2. House
3. Kasper

است. وی شباهت‌ها و تفاوت‌های لهجه‌ای و گویشی بین مناطق مختلف مخصوصاً در شرق ایران و همچنین مناطق دوزبانه را در شبه جزیره عربستان، خوزستان و ناحیه شمال ارس نشان می‌دهد و زبان‌های غیرفارسی را در خوارزم و ناحیه سند و بخش‌هایی از جنوب شرق ایران برمی‌شمارد. علاوه بر این‌ها، وی با ارائه نمونه‌هایی، در مورد ساختار و تلفظ برخی از واژه‌های فارسی در آن زمان اطلاعات اندک و البته ارزشمندی به دست می‌دهد.

عباسی، مهناز. (۱۳۹۸). «تصویرشناسی زنان در سفرنامه مقدسی». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. سال ۱۰. شماره ۳۹. صص. ۷۵-۱۰۵.

عرب‌عامری، مصطفی، سمانه، خلیلی فر و حسینی، سید مصطفی. (۱۳۹۹). «بررسی وجوه افتراق آثار جغرافی نویسان مکتب بلخی: اصطخری، ابن حوقل و مقدسی». *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. سال ۱۱، شماره ۴۰. صص. ۱۰۱-۱۱۸.

فخام، شاکر. (۱۳۸۴). «مقدسی و کتاب (احسن التقاسیم)». ترجمه حسین علی نقیان. *مجله ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۹۲ و ۹۳. صص. ۱۰-۲۱.

فرشاد، مهدی (۱۳۶۵). *تاریخ علم در ایران*. جلد اول. تهران: امیرکبیر.

فرید، عبدالله. (۱۳۶۹). «پیشگامان جغرافیای انسانی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. شماره ۱۳۷. صص. ۱۱۲-۱۵۴.

قبادی، علیرضا. (۱۳۷۰). *مردم‌شناسی تاریخی قرن چهارم هجری قمری: نمونه موردی مطالعه احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. پایان‌نامه. دانشگاه تهران.

لسترینج، گای. (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مشیری، سید رحیم. (۱۳۷۸). *منابع و مأخذ جغرافیای ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه دکتر علینقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.

نفیس، احمد. (۱۳۶۷). *خدمات مسلمانان به جغرافیا*. ترجمه حسن لاهوتی. مشهد: آستان قدس رضوی.

معیار و لهجه‌های غیر معیار را مشخص می‌کند و علاوه بر آن مراتب فاصله هر لهجه با لهجه معیار را با عباراتی مانند «صحیح، فصیح، شیرین، سست، خشن، وحشی، نادرست» نشان می‌دهد. در گزارش نگرش رایج به زبان‌های ایرانی، برتری دری بر سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را بیان می‌کند، و بر اساس همان نگرش رایج، برتری زبان عربی بر زبان‌های ایرانی را منعکس می‌کند. اهمیت دیگر اثر مقدسی در حوزه پراکندگی زبانی، دوزبانگی و دوزبانگونگی

منابع

آرلاتو، آنتونی. (۱۳۸۳). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمد، مقبول؛ تشنر، فرانتس. (۱۳۶۸). *تاریخچه علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام*. ترجمه محمدحسن گنجی. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۷۳). *ممالک و مسالک*. ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

بیات، عزیزالله. (۱۳۷۳). *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*. تهران: امیرکبیر.


ترادگیل، پیتر. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدی بر زبان و جامعه*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: آگاه.

حاجی قاسملو، فاطمه، سلطان بیگی چورسی، رقیه و حسینی سده، علی اکبر. (۱۳۹۶). «مروری بر عقاید دینی مردم فارس و خوزستان در احسن التقاسیم». تهران: همایش ملی متن‌پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون تاریخی.

صحت، مهدی و احمدوند، عباس. (۱۳۹۸). «بازخوانی و واکاوری فرق شیعه از منظر و دیدگاه نویسندگان جغرافیایی: قرن سوم تا هشتم ه.ق». *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی/اقتصادی*. سال ۸. شماره ۱، صص. ۱۷۲-۱۵۳.

عبادی، صبحه، آذرنوش، آذرتاش و بیات، علی. (۱۳۹۹). «بررسی انعکاس گرایش‌های قومی، دینی و سیاسی در متون جغرافیایی: بررسی موردی المسالک و الممالک اصطخری و احسن التقاسیم مقدسی». *پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی*. سال ۵۳. شماره ۱. صص. ۷۳-۹۳.

- Auer, A., Peersman, C., Pickl, S., Rutten, G., & Vosters, R. (2015). Historical sociolinguistics: the field and its future. *Journal of historical sociolinguistics*, 1(1), 1-12.
- Baker, C. (1992). *Attitudes and language*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Bell, A. (2013). *The guidebook to sociolinguistics*. John Wiley & Sons.
- Berthele, R. (2010). Investigations into the Folk's mental models of linguistic varieties, In: D. Geeraerts & J. R. Taylor (Eds.) *Advances in cognitive sociolinguistics: Cognitive linguistics research* (pp. 265-290). De Gruyter Mouton.
- Fishman, J. A. (1965). Who speaks what language to whom and when?. *La linguistique*, 1(Fasc. 2), 67-88.
- Gumperz, J. J. (1971). *Language in social groups*. Stanford: Stanford University Press.
- Holmes, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics*. London: Longman.
- House, J., & Kasper, G. (1981). Politeness markers in English and German. F. Coulmas (Ed.), *Conversational routine: Explorations in standardized communication situations and prepatterned speech*. The Hague: Mouton.
- Hymes, D. H. (1974). *Foundations in sociolinguistics: An ethnographic approach*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Labov, W. (1984). Five methods of the project on linguistic change and variation. In J. Baugh & J. Sherzer (Eds.). *Language in use* (pp. 1-42). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Nevalainen, T. (2015). What are historical sociolinguistics? *Journal of Historical Sociolinguistics*, 1(2), 243-269.
- Sarnoff, I. (1970). Social attitudes and the resolution of motivational conflict. In M. Jahoda & N. Warren. (Eds.) *Attitudes*. (pp. pp. 279-284). Harmondsworth: Penguin.
- Schmidt-Rohr, G. (1963). *Mutter Sprache*. Jena: Eugen Diederichs Verlag.
- Waldispühl, M., & Wallis, C. (2022). Personal names in medieval libri vitæ as a sociolinguistic resource. *Journal of Historical Sociolinguistics*, 9(1), 129-161.
- Wardhaugh, R. (1986). *An introduction to sociolinguistics*. United Kingdom: Blackwell.
- Weinreich U., Labov W., & Herzog, M.I. (1968), *Empirical foundations for a theory of language change*. Austin, University of Texas Press.

	<p>COPYRIGHTS © 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0)</p>
---	---